

روش‌های نادرست تربیتی نوجوانان و جوانان در پای‌بندی به

آموزه‌های دینی

مریم رضایی^۱، اصغر اخوی^۲

چکیده

تعلیم و تربیت به‌ویژه تربیت دینی فرزندان از مهمترین مباحث در حوزه مباحث علوم تربیتی و اخلاق و روان‌شناسی است. شناخت آسیب‌های تربیتی و عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی در عصر حاضر از جمله مباحث مهم در این زمینه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مهمترین روش‌های تربیتی که موجب عدم پایبندی کودکان، نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی در عصر حاضر می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که به‌کارگیری روش‌های نادرست تربیتی مانند اجبار و اکراه، تحمیل، تبعیض و تحقیر، تنبیه نابه‌جا و تشویق بدون رعایت شرایط مناسب به‌شدت آسیب‌زاست و موجب عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌شود.

واژگان کلیدی: روش‌های نادرست تربیتی، نوجوانان و جوانان، اجبار،

تحقیر، تبعیض، تنبیه نامناسب، تشویق نابه‌جا.

۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم تربیت، تربیت دینی است. این مقوله نیازمند بررسی همه‌جانبه و عمیق است و یکی از جوانب آن، مسئله آسیب‌شناسی تربیتی پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی و معارف اسلامی از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی - تربیتی روان‌شناسی و معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

دینی است. آموزه‌های دینی مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند. هرچه این آموزه‌ها در انسان نهادینه شود پایبندی به این امور بیشتر و آسان‌تر خواهد بود و انسان به کمالات بیشتری خواهد رسید. در عصر حاضر با پیشرفت تکنولوژی و فناوری در جوامع و ظهور وسایل ارتباطی و رسانه‌ای جدید و همچنین پیدایش فرقه‌های انحرافی گوناگون زمینه انحراف کودکان، نوجوانان و جوانان از دین بیشتر شده است.

به عبارت دیگر، آسیب‌های تربیتی فراوانی پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی را تهدید می‌کند. از این جهت وظیفه عالمان دین، هدایت‌گران و محققان امور دینی بیشتر و سنگین‌تر شده است. آنان باید والدین، نوجوانان و جوانان را با معارف دین و آموزه‌های آن آشنا کنند و راه‌های پایبندی به دین و روش‌های صحیح تربیتی را آموزش داده و آسیب‌های آن را با شناسایی حتی المقدور برطرف و یا راهکارهایی برای زدودن آسیب‌ها ارائه کنند. در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی و روش‌های صحیح تربیت، منابع و نوشته‌های زیادی وجود دارد، ولی توجه به این نکته لازم است که هرچند تربیت دینی، سالیانی است بر سر زبان‌ها جاری است و صفحاتی از کتاب‌ها و مجلات و سایت‌ها را به خود اختصاص داده است، ولی هم تربیت دینی و هم آسیب‌شناسی آن و به‌ویژه آسیب‌شناسی پایبندی به دین و آموزه‌های آن، حوزه‌های بکر و تازه و ناکاویده است. از مهمترین آثاری که در این زمینه و تا حدودی مرتبط با این موضوع تدوین و نشر یافته است عبارتند از: کتاب محمد رضا قائمی مقدم روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ ۱۳۸۲ شمسی.

همچنین محمد علی حاجی ده‌آبادی و علیرضا صادق‌زاده قمصری کتابی را با عنوان تربیت اسلامی ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی در سال ۱۳۸۰ شمسی در انتشارات تربیت اسلامی منتشر نمودند.

ناصر باهنر کتاب آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد را در سال (۱۳۷۸) نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی) سعی کرده است چگونگی آموزش مفاهیم دینی را متناسب با فرآیند تحول و روان‌شناسی رشد بررسی نماید.

مصطفی دلشاد تهرانی در کتاب ره‌نشان دین، آسیب‌شناسی دین و دین‌داری در نهج‌البلاغه، سال ۱۳۸۰ انتشارات دریا به آسیب‌شناسی دین‌داری از منظر نهج‌البلاغه پرداخته است که آسیب‌های درون‌دینی و بیرون‌دینی اشاره شده است.

همچنین عبدالعظیم کریمی در کتاب تربیت آسیب‌زا (سال ۱۳۷۴ انتشارات انجمن اولیا و مربیان) به اثرات پنهانی و ناخوشایند تربیت آسیب‌زا اشاره نموده است که نویسنده بر اساس مشاهدات و تجربیات شخصی و حرفه‌ای خود و با تکیه بر یافته‌های پژوهشی و نتایج تجربی، آنها را تدوین کرده است. این کتاب در واقع دربردارنده آن دسته از موانع و آسیب‌های تربیتی است که اولیاء و مربیان با قصد تربیت به آن دامن می‌زنند؛ آسیب‌هایی که ناآگاهانه، ناهشیارانه و ناخواسته، اما دلسوزانه و خیرخواهانه باشد مانند آموزش‌های صوری، عادت‌های کلیشه‌ای و مکانیکی، تشویق و تنبیه وابسته‌ساز بیرونی و یاددهی‌های ضدیادگیری. همچنین علی رحمانی یزدری کتاب نقد باورهای غلط تربیتی را در سال ۱۳۷۹ در انتشارات مشهور منشر نموده که به نقد باورهای غلط در اهداف، روش و عوامل تربیت پرداخته است.

نتایج بررسی‌ها در مقاله درآمدی بر آسیب‌شناسی تبلیغات دینی (آکوچکیان، ۱۳۷۸) نشانگر آن است که مشکل اصلی در تربیت دینی، تبلیغ دینی ناکارآمد، ضعیف و غیر اصولی است. حق‌گرایی در عمل و حقیقت‌گرایی در نظر از جمله اصول تبلیغات دینی است که باید مراعات شود. آن‌چنان‌که گذشت پژوهش‌های پیشین به بررسی موضوع آسیب‌شناسی تربیتی از منظر و زاویه خاص پرداخته‌اند و پژوهش حاضر درصدد است روش‌های نادرست تربیتی که موجب عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌شود را بررسی کند و به این سؤال پاسخ

می‌دهد که روش‌های نادرست تربیتی در عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی در عصر حاضر چه نقشی دارد.

با توجه به پیشرفت جوامع مادی و ارتباطات امروزی، پرداختن به مسئله دین و پایبندی به آموزه‌های دینی و روش‌های صحیح تربیتی و شناسایی آسیب‌های تربیتی آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در دنیای مدرن با پیدایش انواع فرقه‌های انحرافی و جذابیت‌های دروغین مادی به راحتی جوانان و نوجوانان می‌توانند از دین روی برگردانده و به آنها تمایل پیدا کنند. بنابراین، آسیب‌شناسی تربیتی پایبندی نوجوانان به آموزه‌های دینی و بررسی آن و همچنین آگاه کردن خانواده‌ها و والدین نسبت به آسیب‌های تربیتی پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی و راه‌های مقابله با آسیب‌ها در عصر حاضر از ضرورت‌های مباحث تربیت دینی است. در این زمینه تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. بنابراین، زمینه پژوهش وسیع، عمیق و گسترده وجود دارد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی روش‌های نادرست تربیتی پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی در عصر حاضر است.

۲. روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. در این راستا با مراجعه به اسناد، مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع پژوهش به تحلیل آن پرداخته شده است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. روش

روش در لغت به معانی متعدد مانند قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک، منوال و... آمده است. روش در اصطلاح نیز به چند معنا از جمله معانی زیر آمده است: (سید علی حسینی زاده، ۱۳۸۳، ۲۸/۴)

-راه منظم و سیستماتیک بررسی حقایق و مفاهیم؛

-تعیین طریق انجام يك فعالیت یا امر؛

-راهی که به منظور دست‌یابی به حقیقت در علوم باید پیمود.

بنابراین، می‌توان گفت که روش عبارت است از راه به‌کارگیری قواعد، شیوه‌ها و فنون آموزشی که آموزگار برای رسیدن به اهداف آموزشی خود از آن‌ها بهره می‌گیرد.

۲-۳. تربیت

درباره اشتقاق تربیت در کتب لغت آمده است: از ماده ربو به معنی افزون شدن و نمو کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۰)؛ از ماده رب به معنای تربیت کردن: «رَبُّ الصَّبِيِّ رِبًّا: رَبَّاهُ حَتَّىٰ اِدْرَكَ؛ بچه را تربیت تا به رشد رسید» (قرشی، ۱۳۰۷، ۴۲/۳). در اصطلاح برای تربیت تعریف‌های فراوانی بیان شده است از جمله «تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص دیگر به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر بر اساس اهداف ازپیش تعیین شده انجام می‌دهد» (محمد داوودی، ۱۳۸۸، ۲۰/۲). برخی تربیت را در اصطلاح این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تعلیم و تربیت عبارت از مجموعه اعمال یا تأثیرهای عمدی و هدف‌دار در یک انسان (مربی) به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتار انسان با انسان دیگر بر اساس برنامه‌ای سنجیده است» (داودی، ۱۳۸۸، ۲۰/۲).

۳-۳. دین

دین در زبان فارسی به معنای کیش، آیین و طریقت است. در لغت عرب به معنای اطاعت، جزا، انقیاد، آیین و شریعت آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۲۳) دین در اصطلاح عبارت است از: «مجموعه گزاره‌های معتبر و جامانده از مراجع مذکور (قرآن، روایات، سنت و...)». سؤال یک دین از این گزاره‌ها می‌تواند در یک متن مشخص مکتوب باشد مانند قرآن، تورات، انجیل یا به صورت شفاهی از طریق معتبر نقل شده باشد. به‌رحال دین در اصل بر همین مجموعه گزاره‌ها منطبق است و برای اشخاص معتقد به آن به صورت مجموعه اعتقادات، احساس و اعمال خاص تحقق می‌یابد (حسینی زاده، ۱۳۸۳، ۲۸/۴).

۳-۴. نوجوان

نوجوان به کسی می‌گویند که نه کودک است و نه جوان و در دوره نوجوانی زندگی می‌کند. دوره نوجوانی، مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی می‌دهد. این گذار، تغییرات زیستی بلوغ جنسی، اجتماعی و روان‌شناختی را دربر می‌گیرد، هرچند که از میان اینها تنها تغییرات زیستی و روان‌شناختی را می‌توان به‌آسانی اندازه‌گیری کرد.

۳-۵. جوان

جوان در لغت به معنای شباب، مقابل پیری است. (معین، ۱۳۷۸، ۸۷۴/۱) در فرهنگ عرب برای آن، دو تعبیر وجود دارد: یکی فتی و دیگری شباب. فتی از ریشه فتی-فتو به معنای طراوت و شادابی است. شباب از ریشه شب به معنای شکوفایی و برخورداری از طراوت است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۱۷۷/۳). در اصطلاح از سن پانزده تا بیست‌وننه سالگی را جوان گویند که در گزارش سازمان توسعه انسانی برنامه سازمان ملل متحد این مسئله وجود دارد. دوران جوانی چنین تعریف شده است: «جوانی مدخل زندگی بزرگسالی است، مرحله‌ای است که دیگر نشانی از صفات کودکی وجود ندارد و فرد از نظر شکل شبیه بزرگسالان است و در حقیقت پس از سپری شدن تحولات بلوغ در طول نوجوانی ایام جوانی فرامی‌رسد».

۳-۶. پایبند

پایبند در لغت به معنای گرفتار، التزام، مقید بودن و مبتلا بودن است (معین، ۱۳۷۸، ۶۹۰/۱) و پایبندی یعنی، التزام و مقید بودن به چیزی در مقابل عدم پایبندی یعنی، مقید نبودن و التزام نداشتن به چیزی و منظور از عصر حاضر دو سه دهه اخیر است که شرایط و ویژگی خاصی به وجود آورده است.

۴. یافته‌های پژوهش

با بررسی اسناد و منابع موجود در حوزه آسیب‌شناسی، عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به دین‌داری، روش‌های نادرست تربیتی استخراج شد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۱. روش‌های نادرست تربیتی

مهمترین موانع علاقه‌مندی کودکان و نوجوانان به آموزه‌های دینی و آسیب جدی در مسیر تعلیم و تربیت دینی استفاده از روش‌های نادرست تربیتی است. به‌طور طبیعی هر پدیده به‌ویژه تعلیم و تربیت، روش و شیوه مختص به خود را دارد که با استفاده از آن می‌توان در مسیر تعلیم و تربیت گام صحیح برداشت، اما بهره‌گرفتن از روش‌های نادرست تربیتی نه‌تنها موجب وصول به هدف نمی‌شود بلکه ممکن است نتیجه معکوس داده و از هدف و مقصود اصلی دورتر شود. در ذیل به مهم‌ترین روش‌های نادرست تربیتی که موجب عدم پایداری کودکان، نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌گردد، اشاره می‌شود.

۴-۱-۱. تحمیل

از روش‌هایی که ممکن است در تربیت به‌کار گرفته شود، تحمیل کردن اموری بر مرتبی و فرزندان برخلاف میل اوست. از این روش می‌توان به روش اجباری، اکراهی، تحکمی و یا تحمیلی نام برد. (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۵۳)

۴-۱-۲. اجبار و اکراه

اجبار یعنی، ملزم کردن فرد به انجام امری بدون اینکه به میل، انگیزه و خواسته او توجه شود و یا در این باره با وی مشورتی انجام گیرد. عدم اجبار و اکراه در تربیت را با دلایل زیر می‌توان از متون دینی تبیین کرد (قائمی‌مقدم، ۱۳۸۲، ص ۵۴):

شاخص‌ترین ویژگی انسان، آزادی و اختیار است. اجبار و اکراه در تضاد با این ویژگی و محروم کردن فرد از این موهبت الهی است. در برخی از آیات قرآن به‌صراحت بر مختار بودن انسان در مورد پذیرش هدایت پیامبران و ندای وحی الهی اشاره شده است مانند آیه ۲۵۶ سوره بقره که می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» و یا آیه ۳ سوره انسان می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و یا ناسپاس». در برخی از آیات به ابتلا و آزمایش انسان اشاره شده است که دلالت روشنی بر اختیار انسان دارند؛

زیرا امتحان و آزمایش در صورتی معنای عقلانی دارند که امتحان شونده از قدرت اختیار و انتخاب برخوردار باشد: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ درحقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند» (کهف: ۷). بر اساس برخی از آیات، مسئولیت اخلاقی اعمال انسان بر عهده خود اوست و این در صورتی معقول است که فرد در انجام اعمال خود، آزادی و اختیار داشته باشد: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ؛ هرکس در گرو دست آورد خویش است» (مدثر: ۳۸).

از آنچه گذشت آشکار می شود که از دیدگاه قرآن، انسان موجودی آزاد و مختار است و این ویژگی، موهبتی الهی است که تنها به انسان داده شده و رشد و کمال او در گرو همین آزادی و اختیار است. حال اگر مریب بخواهد با اجبار و اکراه، اموری را بر متریب تحمیل کند او را از موهبت الهی و حق مسلم خویش محروم و قدرت انتخاب را از او سلب کرده است و محروم کردن انسان از حقوق مسلم خود، امری خلاف شرع و قوانین عرفی و بین المللی است.

سنت و سیره رسول خدا ﷺ نیز پرهیز از جبر، فشار و تحمیل است. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بِفِظٍّ وَلَا صَخَابٍ وَلَا فَحَاشٍ وَلَا عَيَابٍ وَلَا مَدَاحٍ يَتَغَاوَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته خوش رو و خوش خوی و نرم بود، خشن و درشت خوی نبود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶/۱۵۲). این ویژگی پیامبر صلی الله علیه و آله در سرتاسر زندگی حضرت، رمز موفقیت او به ویژه در دوران بیست و سه ساله رسالت بود به گونه ای که قرآن کریم به همین نکته اشاره می کند و می فرماید: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَا كُنْتُمْ فُظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگ دل بودی از اطراف تو پراکنده می شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

اگر این رحمت الهی نبود و پیامبر صلی الله علیه و آله به جای خوش رویی و نرم خویی، خشن و درشت خوی بود و به جای رفق و مدارا به زور متوسل می شد بی گمان این همه توفیق در دعوت پیدا نمی کرد. او با بهره گیری از این رحمت الهی به تبلیغ شریعت خود پرداخت. اگرچه به فرموده قرآن از

ایمان نیاوردن مردم بسیار ناراحت بود و نزدیک بود جان خود را از دست بدهد، ولی هرگز به ایمان تحمیلی و اجباری آنها راضی نبود. سخت‌گیری، اذیت و آزار و تحمیل در منطق پیامبر نبود بلکه با رفق و مدارا به وظیفه تبلیغی خود می‌پرداخت. اساسی‌ترین پیامد این روش، تربیت نشدن است؛ زیرا تربیت کردن، ایجاد اعتقاد و باور نسبت به برنامه تربیت و همراه‌ساختن متربی با آن است و با اجبار و اکراه نمی‌توان امری قلبی و اعتقادی را ایجاد کرد. افزون بر آن، احساس حقارت، خودکم‌بینی، عدم اعتماد به نفس، وابستگی و اطاعت کورکورانه، نفاق و دورویی، انتقام و اقدام تلافی‌جویانه نیز از مواردی است که اجبار و تحمیل می‌توانند در پی داشته باشند.

البته اگر فرد آزادانه و بدون هیچ قید و بندی به کارهایی که مورد علاقه خودش است، بپردازد جامعه دچار هرج و مرج شده و هیچ کس امنیت خاطر ندارد. بنابراین، بر خانواده‌هاست که فرزندان را در انجام امور راهنمایی و هدایت کنند (بدون اجبار و اکراه) تا از گمراهی و در نتیجه فساد فرد و جامعه جلوگیری شود.

۴-۱-۳. تبعیض

یکی از شیوه‌های نادرست تربیتی که باعث عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌شود رفتار تبعیض‌آمیز است. تبعیض به معنای جزء جزء کردن، جدا کردن برخی را از برخی دیگر و بعضی را بر بعضی ترجیح دادن (زمانی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۴) است. در منابع دینی به علت اثرات مخرب آن بسیار نهی شده است. قرآن کریم در سوره حجرات به این موضوع اشاره می‌کند و دلیل تفاوت افراد را نسبت به یکدیگر و تنها دلیل برتری افراد را بر یکدیگر چنین بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است» (حجرات: ۱۳).

قرآن کریم این موضوع را از منظر تربیتی در داستان حضرت یوسف علیه السلام بررسی می کند و به آثار و پیامدهای آن به طور مفصل در سوره یوسف پرداخته است. علاوه بر قرآن، ائمه معصومین علیهم السلام نیز مسلمانان را به شدت از این رفتار در ارتباط با افراد جامعه به ویژه افراد خانواده و فرزندان نهی کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با درخواست یکی از انصار در این زمینه می فرماید: «در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از انصار به نزد آن حضرت آمد و عرض کرد: یا رسول الله! شاهد باش که من نخلستانم را به این فرزندم بخشیدم. حضرت فرمود: آیا فرزند دیگری نیز داری؟ گفت: بله. فرمود: به همه آنها نخلستانی مانند همین نخلستان بخشیده ای؟ گفت: نه. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما سلسله پیامبران به چنین ظلمی شاهد نمی شویم» (قمی، بی تا، ۶۹/۳).

حضرت علی علیه السلام نیز در حکومت سراسر رحمت خود، همواره از این رفتار دوری کرد و یاران و کارگزاران خود را نیز از آن نهی می فرمود. تبعیض یکی از مصادیق بی عدالتی است که حضرت علی علیه السلام در طول حکومت پنج ساله خود به مبارزه با آن پرداخت و تلاش کرد تا به بی عدالتی حاکم بر جامعه که از زمان خلفای گذشته پایه ریزی شده بود پایان دهد و حکومت نبوی را بازسازی کند. خانواده نیز که کوچک ترین عنصر اساسی هر جامعه است از این اصل میرا نیست و باید عاری از تبعیض و بی عدالتی باشد. بعضی از والدین به دلایل متفاوت همچون بیماری کودک مورد توجه، دل بستگی به او، جنسیت کودک و... غافل از پیامدهای شوم آن از این روش، دانسته یا نادانسته استفاده می کنند. والدین اگر به این پیامدها توجه داشته باشند هرگز به چنین روشی دست نخواهند زد؛ زیرا این روش خطرهایی دارد که متوجه همه افراد خانواده خواهد شد و برای هیچ فردی استثنا قائل نیست. این پیامدها عبارتند از:

- ایجاد خلأ عاطفی بین والدین و فرزندان و کاهش محبت بین آنها؛
- احساس ناامنی ناشی از برخورد والدین و احساس کمبود محبت که به افسردگی کودک منجر خواهد شد؛

- کودک به دلیل احساس بی‌مهری حاصل از این طرز برخورد خانواده به راحتی به سوی دیگران جذب می‌شود. این جذابیت گاه خسارات جبران ناپذیری برای کودک و خانواده به بار می‌آورد؛

- یکی از عواقب حاصل از برخورد تبعیض آمیز، ایجاد کینه، حسد و حتی دشمنی بین فرزندان است که گاه منجر به آسیب دیدن کودک مورد توجه والدین از سوی کودکان دیگر خواهد شد. (فائمی مقدم، ۱۳۸۲، ۴۵)

بنابراین، اگر فردی در خانواده و جامعه دچار تبعیض شود سرخورده شده و مبتلا به مشکلات روحی و روانی می‌شود. در این شرایط ممکن است از فرد رفتارهایی سر بزند که باعث ناهنجاری در اجتماع و خانواده شود و انگیزه انجام اعمال عبادی و پایبندی به مفاهیم و آموزه‌های دینی در او ممکن است کاهش یابد و یا حتی بر ضد مفاهیم دینی و اعمال عبادی گام بردارد.

۴-۱-۴. تحقیر

یکی از روش‌های آسیب‌زا در تربیت به‌ویژه تربیت دینی، روش تحقیر و توهین متری است. بسیاری از والدین و مربیان برای دستیابی به تربیت مورد قبول خود و داشتن فرزندان مطیع و منضبط از این روش استفاده می‌کنند غافل از اینکه تحقیر و اهانت، آسیب‌های فراوانی بر روح و روان فرزندان می‌گذارد به‌ویژه اگر این عمل در مقابل دیگران صورت گیرد. در منابع دینی از تحقیر که به معنای پست شمردن و کوچک کردن (قرشی بنایی، ۱۳۰۷، ۲۸۹/۱) و در اصطلاح به معنای توهین و خوار کردن طرف مقابل است (رواش قلعه جی/۴۳۶) به شدت نهی شده است. در قرآن نهی از تحقیر را به صورت ضمنی و از برخورد پیامبران با اقوام خود می‌توان دریافت.

پیامبران در تبلیغ ادیان الهی به‌گونه‌ای با مردم رفتار می‌کردند که کوچک‌ترین احساس حقارت به آنان القا نمی‌شد. خودداری پیامبران از تحقیر دیگران را می‌توان از آیاتی دریافت که خطاب مستقیم پیامبران به اقوام خویش است. با دقت در این دسته از آیات روشن می‌شود که پیامبران همواره بر این نکته تأکید داشتند که همانند امت خود هستند و هیچ‌گونه برتری ذاتی بر

آنها ندارند. (حسین زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹) در روایات فراوانی نیز از تحقیر دیگران به ویژه مؤمن به شدت نهی شده است. برای مثال پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «هیچ یک از شما نباید احدی از بندگان خدا را خوار بشمارد؛ زیرا نمی داند که کدام یک از آنها دوست خداست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۷/۷۲). «هیچ مسلمانی را حقیر مشمار؛ زیرا کوچک آنان هم نزد خداوند، بزرگ است» (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰، ۳۱/۱). **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «خداوند (عزوجل) فرمود کسی که بنده مؤمن مرا خوار گرداند آشکارا به دشمنی با من برخاسته است»** (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۷۱/۱۲). **قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:** «خداوند تبارک و تعالی می فرماید: هر که یکی از دوستان مرا خوار شمارد آماده جنگ با من شده است و من در یاری دادن دوستدارانم شتابنده ترینم» (کلینی، ۱۴۲۶، ۳۵۱/۲). حضرت علی عليه السلام در باب اهانت و اهانت کننده می فرماید: «هر که به مردم اهانت کند، نابود گردد» (آمدی، ۱۳۸۱، ۶۲۴/۴). با ذکر بخش کوچکی از آیات و روایات پیرامون مذمت تحقیر و اهانت دیگران می توان دریافت که موضع اسلام در قبال این موضوع، شفاف است و همواره به نهی شدید از آن پرداخته است. افزون بر شرع، عقل و عرف نیز بر زشتی این عمل تأکید دارد و از انجام آن نهی کرده است.

۴-۱-۵. تنبیه نامناسب

تنبیه از روش های تربیتی است که در موقعیت های ویژه ای می تواند روشی بازدارنده و گاه اصلاحی باشد. از این رو در گروه روش های ایجابی قرار می گیرد که انجام آن اثر تربیتی دارد. از سوی دیگر، اعمال این روش در صورتی مؤثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود. در غیر این صورت اثر تخریبی آن به مراتب بیشتر از پیامدهای مثبت آن خواهد بود که این امر آن را در گروه روش های سلبی و آسیب زا قرار می دهد. (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷) تنبیه، مصدر باب تفعیل از ریشه نبه به معنای بیدار شدن از خواب گرفته شده است و در لغت به معنای بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی و آگاه کردن آمده است (دهخدا، واژه تنبیه). براین اساس، تنبیه در معنای لغوی و عام خود عبارت است از مطلق آگاهی بخشی که می تواند با هر شیوه ای صورت پذیرد. از این رو آگاهی بخشی با هر شیوه ای مانند تعلیم دادن، موعظه کردن و بیدار کردن می تواند مصداق تنبیه لغوی باشد. معنای اصطلاحی تنبیه عبارت است از: «مواجه ساختن

متربی خطاکار با یک تجربه ناخوشایند به منظور آگاه ساختن وی از پیامد رفتار نامطلوب خود و جلوگیری از تکرار آن» (قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷).

۵. قلمرو و کاربرد تنبیه

تنبیه از روش‌هایی است که تمام مراحل رشد انسان را شامل می‌شود و در گستره عمر انسان کاربرد دارد؛ زیرا در تربیت، گذشته از اقدام‌هایی که پیش از تولد باید صورت بگیرد از همان لحظه‌های آغازین زندگی شروع می‌شود و تا لحظه‌های پایانی عمر ادامه می‌یابد. گذشته از آن، محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که باعث به خطر افتن انسان می‌شوند همواره همراه انسان است. از این رو تنبیه که نقش بازدارندگی و اصلاحی دارد در تمام مراحل زندگی کاربرد خود را داراست البته روشن است که هر یک از مراحل رشد انسان ویژگی‌های خاص خود را دارد و محدودیت‌ها و ضعف‌ها نیز به تبع این مراحل فراز و نشیبی دارد که به اقتضای هر مرحله تنبیه شکل و نوع خاصی پیدا می‌کند. برای مثال خطا در سنین کودکی بیشتر از روی جهل است که با آگاهی بخشی و تنبیه‌های سبک مانند محرومیت‌های سبک عاطفی، چون ترش‌رویی و قهرهای کوتاه مدت اصلاح می‌گردد در حالی که در سنین بالاتر ممکن است خطاها جنبه عصیان و سرکشی داشته باشد و اصلاح آن ممکن است به تنبیه‌های سنگین و در نهایت تنبیه بدنی و اجرای حدود نیازمند باشد. (قائمی مقدم ۱۳۸۲ ص ۱۳۹)

۶. انواع تنبیه

به‌طور کلی تنبیه بر اساس نوع تأثیر آن در متربی دوگونه است: یکی عاطفی و روانی و دیگری بدنی و جسمانی. نوع اول به تنبیهی گفته می‌شود که موجب ناراحتی فرد می‌گردد و به اقتضای شدت و ضعف خود، فشار روانی خاصی را بر او وارد می‌سازد و درعین حال اثر مستقیمی روی بدن او ندارد مانند سرزنش و توبیخ، قهر کردن، محروم‌سازی از اشیاء مورد علاقه و...، اما تنبیه بدنی و جسمانی به افعالی گفته می‌شود که به‌طور مستقیم بر بدن متربی تأثیر می‌گذارد و موجب درد و آزار

جسمانی و در نتیجه عذاب روحی می‌شود مانند کتک زدن، جاری کردن حدود شرعی و...
(قائمی مقدم، ۱۳۸۲، ص ۱۴۰)

۶-۱. تشویق نابه‌جا

یکی از راهکارهای مهم و از شیوه‌های مؤثر تربیتی، استفاده از تشویق است. تشویق وسیله‌ای برای ایجاد شوق، انگیزه و رغبت برای انجام کارهای نیک و ایجاد عادت‌های پسندیده است. تشویق از ماده شوق به معنای به شوق در آوردن، راغب کردن، آرزومند ساختن و کار کسی را ستودن و او را دلگرم کردن است. (معین، ۱۳۷۸، ۱/۱۰۸۸) در اصطلاح عبارت است از به‌کار بردن و ارائه محرک مناسب با نیازهای فرد که پس از بروز یک رفتار مطلوب به منظور افزایش احتمال تکرار عملش به او داده می‌شود (رضایی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰). ابن سینا فیلسوف و اندیشمند بزرگ اسلامی، تشویق را به منزله ضمانت اجرای تعلیم و تربیت توصیه می‌کند و مصادیق تشویق و تنبیه را متعدد می‌داند و معتقد است واکنش مربی در برابر رفتار ناپسند متربی باید متناسب و تدریجی باشد؛ یعنی ابتدا روگردانی، سپس ترش‌رویی، پس از آن ترساندن و آن‌گاه توبیخ است و مربی در شرایط خاص می‌تواند به تنبیه بدنی روی آورد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، ۱/۲۸۷).

۶-۱-۱. آسیب‌ها و آفات تشویق نادرست

تشویق با همه فوایدی که دارد اگر نابه‌جا و حساب نشده به کار رود عواقب سوئی به دنبال می‌آورد (رضایی، ۱۳۸۸) از جمله؛ پاداش مادی و بیرونی باعث می‌شود کودک و نوجوان کار و فعالیت را که برای خود او جاذبه دارد و بدون اجبار و اصرار دیگران انجام می‌دهد کمتر انجام داده و یا آن را ترک کند؛

وقتی تشویق مطابق نیازهای سنی، شرایط محیطی و تفاوت‌های درونی فرد نباشد نتیجه منفی داده و کودک و نوجوان عملاً به فعالیت و کار مورد نظر رغبت پیدا نمی‌کند؛

اگر پاداش بیرونی برای کودک و نوجوان محور و اصل باشد در هر کاری تمام توجه و حواس او متمرکز پاداش و تشویق است نه انجام عمل. بنابراین، باید تلاش کرد که انضباط و رغبت درونی، جانشین انضباط، اجبار و اصرار بیرونی شود.

تشویق و انگیزه بیرونی بدون لحاظ شرایط لازم باعث می‌شود که کودک و نوجوان احساس اعتماد به نفس، شایستگی و خودرهبی را از دست داده و خود را علاقه‌مند به انجام عمل ارزیابی نکند و از ادامه عمل خودداری کند.

بنابراین، در انجام هر تشویقی باید شرایط، روحیات، وضع و شرایط فعلی کودک و نوجوان را سنجید و مطابق آن به تشویق اقدام کرد و پس از تشویق نیز باید آثار آن ارزیابی شود تا در نتیجه اشکالات و اثرات سوء تشویق، شناخته شده و حذف شود. باین وجود تشویق نابه‌جا یکی از عوامل عدم پایبندی کودکان و جوانان به آموزه‌های دینی است.

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده در مقاله حاضر روشن شد که نقش روش‌های نادرست تربیتی در عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی بسیار عمیق است و روش‌های نادرست تربیتی همچون اجبار و اکراه و تحمیل، تبعیض و تحقیر، تنبیه نابه‌جا و تشویق بدون رعایت شرایط مناسب از نمونه‌های شیوه‌های نادرست تربیتی است که به شدت آسیب‌زا است و موجب عدم پایبندی نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌شود.

به‌طور کلی استفاده از روش‌های نادرست تربیتی موجب عدم پایبندی کودکان، نوجوانان و جوانان به آموزه‌های دینی می‌شود. بدین صورت اگر خانواده‌ای از روش‌های نادرست تربیتی مثل اجبار و تبعیض و تحقیر، تنبیه نامناسب و تشویق نابه‌جا استفاده کند موجب سرخوردگی فرزندان می‌شود و ممکن است نسبت به دین و آموزه‌های دینی بدبین و یا بی‌تفاوت شوند و به انجام اعمال دینی تمایل پیدا نمی‌کنند. در مدرسه و جامعه نیز اگر از روش‌های نادرست تربیتی استفاده شود یکی از نتایج آن، بدبینی و عدم تمایل به آموزه‌های دینی است. برای مثال اگر در

جامعه‌ای دینی، تبعیض، توهین و تحقیر باشد هر چند تلاش بیشتر برای نهادینه کردن آموزه‌های دینی شود نتیجه معکوس خواهد بود؛ زیرا با این روش‌ها فرد احساس سرخوردگی و حقارت می‌کند و شخصیت وی متزلزل شده و نسبت به دین و آموزه‌های دینی بی‌تفاوت می‌شود، حتی ممکن است عقده‌هایی علیه دین و آموزه‌های دینی در او به‌وجود بیاید.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. مترجم: آیت‌الله مکارم شیرازی، ناصر.
- * نهج البلاغه (۱۳۷۸). زیر نظر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی. قم: امام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
 ۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) (بی‌تا). من لایحضره الفقیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۴. اصغری، محمدجواد (بی‌تا). موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن. نشریه راه تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سایت پرتال جامع علوم انسانی.
 ۵. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۱). غررالحکم و دررالکلم، تهران: چاپخانه مهر.
 ۶. باقری، خسرو (۱۳۷۹). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
 ۷. باهنر، ناصر (۱۳۷۸). آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۸. بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
 ۹. جلالی، محمدحسین (۱۳۸۱). علت دین‌گریزی جوانان. تهران: چکیده.
 ۱۰. حر عاملی، محمدابن‌الحسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
 ۱۱. حسینی‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۲). سیره تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۲. داوودی، محمد (۱۳۸۸). سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۳. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۷). روان‌شناسی رشد. تهران: سمت.
 ۱۴. دهخدا، علی‌اکبر (بی‌تا). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات.
 ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم - الدار الشامیه.
 ۱۷. رضایی، موسی (۱۳۸۸). خانواده و نگرش نوبه‌تعلیم و تربیت فرزندان از دبستان تا دانشگاه. تهران: دانش.
 ۱۸. رفیعی، ناصر (۱۳۸۹). گفتار رفیع. قم: معروف.
 ۱۹. زمانی، کریم (۱۳۶۷). فرهنگ لغات نهج البلاغه. تهران: کیهان.
 ۲۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
 ۲۱. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۲). روان‌شناسی پرورشی، روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران: آگاه.

۲۲. ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۸). گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). مجموعه مقالات تربیتی: تربیت دینی، اخلاقی و عاطفی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. طبسی، محمدجواد (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۵. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۰۷). مفردات نهج البلاغه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۶. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۰۷). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. قلعه جی، محمد رواش (بی تا). الموسوعه الفقهیه المیسره. بی جا: بی نا
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶). اصول الکافی. بیروت: اعلمی للمطبوعات.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: الطبعه الثالثه.
۳۰. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسایل. قم: آل البيت علیهم السلام.
۳۱. معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۳۲. ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام. قم: مکتبه فقیه.